

مطالعات جغرافیایی مناطق خشک

دوره ۱۳، شماره ۴۸، تابستان ۱۴۰۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۷/۱۸ تأیید نهایی: ۱۴۰۱/۰۳/۳۱

صص ۷۸-۵۸

پژوهشی

بررسی و تبیین مفهوم جهانی اندیشی و عوامل مؤثر بر آن

سیروس احمدی نوحدانی، استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

ریحانه صالح آبادی*، دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

چکیده

فلسفه وجودی جهانی اندیشی به معنای دیدگاه مشترک تمام انسان‌ها صرف‌نظر از وابستگی سیاسی خود به عنوان شهروندان واحد در نظر گرفته می‌شوند. جهانی اندیشی شاهد تولید یک ایده مثبت برای پرورش تعهدات مختلف در عرصه‌های گوناگون است. هدف این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر جهانی اندیشی است. برای رسیدن به این هدف از روش توصیفی - تحلیلی درصدد تبیین عوامل تأثیرگذار بر جهانی اندیشی استفاده شده است. سپس با استفاده از تکنیک دیمتل مهم‌ترین عوامل و میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن‌ها مورد سنجش و بررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در این بحث سه بعد اصلی اقتصادی (توزیع مجدد ثروت، اندازه دولت، مالکیت مشاع زمین، زمین عامل اصلی تولید، آزادی اقتصادی و پارادایم تولید)، اجتماعی - فرهنگی (پویایی فرهنگی، اجتماعی شدن افراد، فرهنگ قومی و محلی، مصرف‌گرایی، هویت‌یابی و زمان - فضا) و سیاسی (پویایی دیپلماسی، مردم‌سالاری، آموزش شهروندی، انقلاب انتظارات، امنیت سیاسی و دموکراسی) وجود دارد. متغیرهایی مانند انقلاب انتظارات (۵.۸۷۴۷)، دموکراسی (۵.۴۵۶۶)، امنیت سیاسی (۵.۲۶۶۲)، توزیع مجدد ثروت (۴.۸۸۳۸)، پویایی فرهنگی (۴.۶۶۷۵) نشان‌دهنده تعامل بالا و ارتباط سیستمی قوی با سایر متغیرها هستند؛ بنابراین این‌ها را می‌توان مهم‌ترین پیامدهای جهانی اندیشی دانست. متغیرهای پارادایم تولید (۰.۰۶۹۵)، پویایی دیپلماسی (۰.۱۸۶۱)، مصرف‌گرایی (۰.۰۱۰۸)، زمان - فضا (۰.۰۴۰۱) علت این مدل سیستمی محسوب می‌شوند و عواملی مانند فرهنگ قومی و محلی، اجتماعی شدن افراد، مالکیت مشاع زمین، اقتصاد اشتراکی، هویت‌یابی، زمین عامل اصلی تولید معلول این سیستم محسوب می‌شوند.

واژگان کلیدی: جهانی اندیشی، جهانی وطنی، عوامل اقتصادی، عوامل سیاسی، عوامل اجتماعی - فرهنگی

۱- مقدمه

ظهور جهانی شدن و جریان‌های فراملی افراد، کالاهای مصرفی و اطلاعات موجب گسترش مفهوم جهانی اندیشی شده است. در این بین محققان اظهار داشته‌اند که مفاهیم مرتبط با هویت و جامعه به طور فزاینده‌ای با شرایط محلی و جهانی در هم تنیده شده است (Vertovec & Cohen, 2002: 15, Beck, 2002: 24). اکثر مطالعاتی که در این زمینه انجام شده بر فرایندهای چند فرهنگی، اعتماد، صراحت و تحمل نسبت به یکدیگر و تمایل به مشارکت در بحث‌های مرتبط با عقاید مختلف نهفته است (Verboord, 2016: 4). این مفهوم‌سازی اشاره به یک ایده جهانی دارد که در آن افراد دارای توانایی ذهنی جهت به اشتراک‌گذاری مفاهیم و مؤلفه‌های مختلف در قالب یک شبکه جهانی می‌باشند (Zoonen, 2011: 1). بسیاری از دانشمندان بیان می‌کنند که این مفهوم در به رسمیت شناختن دیدگاه‌های مختلف و پذیرش اختلافات در ترکیب جهانی بر مواضع ایده‌آلی از جهان وطنی و جهان اندیشی تأکید دارد و جهت‌گیری‌های مختلفی را در ابعاد و عرصه‌های مختلف نشان می‌دهد (Skrbis, 2007: 735). در جهان امروز مردم با فراملی‌سازی روبرو هستند و استدلال شده است که این موضوع بر شناخت و نگرش آنان تأثیر گذارد (Tarrow, 2005: 5, Kwok-). این عامل به عنوان نوعی تعهد به دنیا در ایجاد یک حس مشترک و دلبستگی میان بشریت شناخته می‌شود (Cicchelli, 2018: 15). در این بین سیچلی بیان می‌کند این فرآیند افراد را به سمت ایجاد نوعی آگاهی و تعاملات در ابعاد گسترده سوق می‌دهد (Cicchelli, 2014: 20). فرایندهای موردنظر فراتر از مسئولیت‌های اجتماعی است و پاسخی غیرقابل انکار و غیرقابل انتقال را برای مردمانی که از نظر جغرافیایی دور از یکدیگر هستند در نوع روابط آنان ایجاد می‌نماید. با افزایش جریان‌های فراملی در دوران جهانی شدن، مقیاس روابط بین شهری و شبکه‌های شهری نیز به سطح جهانی ارتقاء یافت (احمدی نوحدانی، زنگنه: ۱۳۹۵: ۱۱۳). به نظر لاک، اندیشه یا دست‌کم بازاندیشی، گونه‌ای چشم درونی است متناظر با چشم فیزیکی برونی که توان شناخت یا معرفت ادراک ارتباط و موافقت یا مخالفت و تضاد با تصورات ما با یکدیگر است. بدین ترتیب چشم درونی قادر می‌شود ببیند آیا تصورات با یکدیگر سازگارند یا نه. بارکلی از نظریه تصورات انتزاعی کلی لاک انتقاد می‌کند. هیوم و بسیاری از تجربه‌گرایان عصر وی معتقد بودند ذهن محفظه‌ای است که تصورات در آن می‌چرخند و انگاره‌های مختلف درست می‌کنند. فرض بر این است که فضای سه‌بعدی نیوتن همتایی دارد در «فضای درونی ذهن که حاکم بر آن چشم درونی یا قوه اندیشه است» (همان: ۷۵). اندیشه موجب آگاهی در عرصه‌های گوناگون می‌شود و این آگاهی شکل‌دهنده ادراک و تعیین‌کننده نوع رفتار و تعامل انسان است. با توجه به ویژگی‌هایی که در دوره کنونی و در هزاره سوم شاه آن هستیم می‌توان به جرأت بیان نمود که تحولات گسترده‌ای در عرصه فضا و جهان در حال شکل‌گیری است که دارای ابعاد گوناگونی نیز است و قادر است تا عرصه‌های مختلف را تحت تأثیرات خود به صورت مستقیم و غیرمستقیم قرار دهد. از این رو در این تحقیق بر آن شدیم تا به بررسی مفهوم جهانی اندیشی و عوامل مؤثر بر آن باشیم تا از طریق شناسایی و بررسی این عوامل و میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بهتر بتوان از تحولات دوره کنونی در راستای رسیدن به اهداف و منافع عمومی و فردی بهره‌برداری نمود. هدف تحقیق بررسی عوامل مؤثر بر جهانی اندیشی است که فرضیه آن را بدین شرح می‌توان بیان نمود: به نظر می‌رسد در هزاره سوم مفهوم جهانی اندیشی از اهمیت بسزایی برخوردار شده است و دارای ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... است.

۲- ادبیات موضوع

۲-۱- ذهن و فضا

ذهن چیست؟ این نخستین پرسشی است که برای رسیدن به هدف این پژوهش به معنای واقعی باید از قابلیت درک برخوردار باشد. صدرالمتألهین، «ذهن» را چنین تعریف کرده است: «استعداد نفس بر اکتساب علومی که برای نفس حاصل نیستند. او، در مقام توضیح گفته است که خداوند، روح انسان را خالی از علم به اشیاء قرار داد و علی‌رغم اینکه او

هیچ نمی‌داند، اما برای دانستن آمده است. پس نفس باید بر به دست آوردن این هدف و حصول علم توانا باشد؛ و ذهن، در واقع همین استعداد است» (شریعتی، ۱۳۹۲: ۸۵). ذهن پدیده‌ای روان‌شناختی شامل افکار، استدلال، احساسات و ... است؛ بنابراین ذهن به صورت کلی دارای فضایی است که در برگرفته مجموعه‌ای از عوامل مختلف است. در این ارتباط دوگانه گرایان اعتقاد دارند که ذهن به عنوان عاملی غیرفیزیکی از دنیای مادی و فیزیکی متمایز است. اما امروزه ما شاهد این مسأله هستیم که ذهن در فضا گسترش یافته و طیف وسیعی از متفکران را به خود مشغول کرده است. به گونه‌ای که هایدگر، رایلان یا ویتگشتاین اعتقاد دارند ذهن دارای قدرتی در استدلال بخشی به عوامل درونی و بیرونی است و از این منظر نمی‌تواند به عنوان عاملی جدا و متمایز از جهان بیرونی در نظر گرفته شود. دوگانگی در جهان ماده بر اساس عقیده بسیاری از فیلسوفان و اندیشمندان به عنوان یک جایگزین طبیعی در دنیای جسمانی تحقق یافته است. اما اگر ذهن در دنیای جسمانی محقق شود؛ بنابراین به تعبیر آنان باید فضایی را اشغال نماید و اگر ذهن فضایی را به خود اختصاص دهد باید منطقی باشد که از خود بیرسیم این فضا در کجا قرار دارد؟ (Wheeler: 2017: 2). یکی از پیامدهای این وضعیت را می‌توان تصور نمودن ذهن با داشتن نوعی از شرایط بیرونی با قابلیت مکانی بین ذهن و جهان اشاره کرد. با توجه به اینکه چنین مرزی بین جهان و ذهن وجود دارد؛ بنابراین می‌توان مکان و فضایی را برای ذهن در نظر گرفت (Enactivism, 2015: 3).

۲-۲- جهانی اندیشی

شعار جغرافی دانان یعنی «جهانی بیاندیش، محلی عمل کن» مدت‌هاست توسط هواداران جهانی شدن تکرار می‌شود. در مقابل، کسانی هم در نقد این نگاه آن را وارونه کرده‌اند، هواداران جماعت‌گرایی حتی کاستلز می‌گویند: «محلی بیاندیش، جهانی عمل کن». نکته مشترک هر دوی این شعارها، «واقعیت» است، چه واقعیت محلی، چه واقعیت جهانی و کلان. این واقعیت امر عینی است و نه ذهنی. هر واقعیت ذهنی ابتدا در ذهن انسان شکل می‌گیرد و بعد در جهان واقعی تجلی پیدا می‌کند؛ اما واقعیت عینی ابتدا بیرون از ذهن تجلی می‌یابد. جهانی شدن احساس دوگانه‌ای در متفکران جهان سوم دامن زده است. برخی معتقدند باید از جهانی شدن استقبال کرد. گروهی تفسیر بدبینانه‌ای از جهانی شدن دارند و آن را نفوذ نرم پسااستعمار قلمداد کرده و نگران هضم فرهنگ‌های بومی در فرهنگ استعماری هستند. جهانی شدن دو بخش دارد: ۱) فرایند جهانی شدن که به طور طبیعی اتفاق می‌افتد و محصول رشد و پیشرفت علوم، فناوری‌ها، هنر، ارتباطات و ... است. ۲) جهانی‌سازی که غیرطبیعی است و محصول اندیشه و تدبیر قدرت‌ها است و مدیریت شده انجام می‌گیرد. جهانی اندیشیدن نیز در عرض جهانی شدن قرار دارد و خودبه‌خود اتفاق می‌افتد و یک امر طبیعی و مطلوب محسوب می‌شود و موجب گسترش و رشد و عمیق‌تر شدن اندیشه و عملکرد بشر می‌شود. انسان امروز باید با شناخت ویژگی‌های نوین عصر خود، آگاه به نحوه تعامل عناصر گوناگون در جهان نوین، جهانی بیاندیشد تا بتواند بدین ترتیب با بهره‌برداری از امکانات و ظرفیت‌های کنونی به رشد و توسعه و پیشرفت دست یابد. جهان در حال یک انتقال مهم و بزرگ است نه فروپاشی. جهانی اندیشی موجب دگرگونی بسیاری از ساختارها و عملکردها شده و ساختارهای خرد به سمت همکاری، هم‌افزایی و تشکیل ابرساختار می‌روند. فعالیت در جهان شبکه‌ای نیازمند اتصال به ابرساختارهاست و حرکت در این فضا به طور انفرادی یا مجزای از دیگر اعضای شبکه، کاری بس خطیر و کم‌مایه است که در نهایت نمی‌تواند منجر به تولید ثروت و قدرت شود (احمدی، جزوه کلاسی، ۱۳۹۸).

۲-۳- اندیشه جهانی و جهان وطنی

اصطلاح جهان وطنی عقیده‌ای باز و پذیرا به سوی دیگری محسوب می‌شود. جهان وطنی یک نمونه اخلاقی است که در آن فرد در تلاش است تا فراتر از فشارهای نیرومند در عرصه ذهنی و تکاملی و رها از امتیازهای افراد نزدیک به خود مانند خانواده، قبیله یا ملت ارزش دیگری را در نظر گرفته و قادر به ایجاد یک گفتمان در راستای افزایش ارتباط با

دیگری را پدید آورد. جهان وطنی دارای نگاهی به خارج است از این طریق به دنبال درک نمودن تفاوت‌های موجود در جامعه است و آن را به عنوان عاملی در جهت گسترش ارتباطات در نظر دارد. جهان وطنی حالتی فردگرایانه صرفاً ذهنی نیست. بلکه از ابعاد اجتماعی - فرآیندی و مفهومی در سطح گسترده برخوردار است. جهان وطنی به عنوان میوه و ثمره تاریخ اجتماعی و سیاسی محسوب می‌گردد و نیازمند فراهم آوردن فرهنگ مادی که دارای همزیستی است است (Kendall, 2009: 16). فناوری‌های ارتباطی، گردش محصولات فرهنگی، ظهور تصورات نوین، خطرات جهانی؛ مانند تروریسم و گرم شدن کره زمین به عنوان موتورهایی برای ظهور خودآگاهی و ایجاد جهان وطنی و مشترک محسوب می‌گردند. با این حال نمی‌توانیم جهانی بینی و جهانی سازی را با یکدیگر و در یک معنا به کار ببریم. جامعه کنونی را می‌توان تحت تأثیر پدیده‌های قدرتمند جهانی دانست. جهانی سازی لزوماً انتشار نگرش‌ها، جهت‌گیری‌ها و رفتارها نیست؛ در حالی که مفهوم جهان وطنی و اندیشه جهانی در برگیرنده این مؤلفه‌ها است (Cicchelli, 2016: 25). به جای از بین رفتن و ناپدید شدن مرزها هویت فرهنگی و قومیتی ملت‌ها در حال پر رنگ شدن است که این عامل توسط فرآیندهای جهانی مجدد بازتعریف گردیده است.

۲-۴- نگرش‌های جهانی اندیشی: انگیزه‌های اقتصادی یا فرهنگی - اجتماعی

در این ارتباط سه دیدگاه وجود دارد: گروه اول کسانی هستند که اعتقاد دارند جهانی اندیشی منجر به ایجاد مشوق‌های اقتصادی می‌شود و در نهایت با تحرک سرمایه ناشی از جهانی شدن سود بسیاری را به دست آورده و با افرادی که کمکی به جریان و تحرک سرمایه نمی‌کنند مخالفت آشکاری دارد. به عنوان مثال در این زمینه روگوسکی^۱ (۱۹۸۹) چنین استدلال می‌کند که کارگران کشورها تمایل دارند در مکان موردنظر خود کار کنند در حالی که سرمایه‌داران به دنبال آزادسازی تجاری می‌باشند؛ زیرا با آزادسازی تجاری، نیروی کار فراوان می‌شود و برون‌سپاری رخ می‌دهد در نتیجه میزان دستمزدها کاهش می‌یابد؛ بنابراین توجه به جهان وطنی از سوی این گروه از افراد جامعه در اولویت قرار می‌گیرد. دیدگاه دوم چنین استدلال می‌کند که جهانی اندیشی و جهانی وطنی در ارتباط با سرمایه فرهنگی پیش‌بینی می‌نماید افرادی که دارای شبکه‌های فراملی و طرفدار جهانی شدن هستند درک عملی بهتری نسبت به شرایط فرهنگی جهانی داشته باشند و از درک بالاتری جهت حل مسائل بین‌المللی برخوردار باشند. به طور خاص برخی اندیشمندان ادعا کرده‌اند که جهانی وطنی و جهانی اندیشی می‌تواند سرمایه فرهنگی را محقق کند (Weenink, 2008: 25, Calhoun, 2002: 688). نگرش‌های جهان وطنی را می‌توان سرمایه‌ای دانست که امکان تحرک اجتماعی را در جهان جهانی شده کنونی فراهم می‌آورد و چشم‌انداز سرمایه فرهنگی تأکید جدی بر اولویت اجتماعی شدن یک نهاد مهم جهت افزایش جامعه‌پذیری سیستم آموزشی است. دیدگاه سوم ادغام هر دو مورد با یکدیگر است و اعتقاد دارد از آنجا که سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی توانایی شناختی افراد را تا حدود زیادی افزایش می‌دهند می‌توانند تفسیرهای کاملاً منحصر به فردی را برای افراد ایجاد نمایند؛ بنابراین توجه به هر دو رویکرد برای درک و فهم مفهوم جهانی وطنی و جهانی اندیشی از اهمیت بسزایی برخوردار است. به عنوان مثال کریسی^۲ (۲۰۰۸) بیان می‌کند چرا نخبگان نسبت به توده‌ها از جهانی اندیشی بالاتری برخوردار هستند؟ (Strijbis, 2019: 4). در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت که افراد نخبه اغلب از میزان تحصیلات و آگاهی بیشتری برخوردار هستند و تلاش بسیاری می‌کنند تا بتوانند میزان روابط و تعاملات خود را با جهان اطراف افزایش دهند و از طرق مختلف بتوانند از مزایا و فرصت‌های به وجود آمده در این زمینه با استفاده از راهبردها و سازوکارهای اقتصادی و اجتماعی بهره‌برداری بهتری داشته باشند.

واقع‌بینی در سیاست (جهانی اندیشی به نوعی در ارتباط با عوامل مختلفی قرار دارد که یکی از این عوامل سیاست است اگر انسان‌ها و حکومت‌ها درک درست و به جایی از سیاست داشته باشند در غالب جهانی اندیشی قادر هستند تا

1- Rogowski

2- Kriesi

دهکده جهانی را کوچک‌تر نموده و با بهره‌گیری از عواملی که مرتبط با واقع‌بینی در سیاست است سایر عوامل را با خود همگام سازند و فضای ذهنی و مکانی را تحت سیطره خود قرار دهند)

«واقع‌بینی» معمولاً به معنای درک درست ویژگی‌های رویدادها یا امور واقع یا اشخاص است به نحوی که انحراف و اعوجاج محصول احساساتی مانند امید یا ترس یا محبت یا نفرت در آن راه نداشته باشد، یا استعداد آرمان‌سازی یا تحقیر یا هر چیز دیگری که نتیجه فشارهای احساسی و مخل مشاهدات صحیح (یا عمل مبتنی بر آن مشاهدات) باشد، آن را قلب و تحریف نکند (برلین، ۲۰۵: ۱۳۹۳). کشورداری یکی از اسرار نیست؛ بلکه قابل آموختن و یاد دادن و کاربرد به دست کارشناسان است و می‌توان آن را به سود پایدار بشر به طور نامحدود بهبود بخشید و گسترش داد (همان: ۲۰۷). این نظر از سویی خوش‌بینانه است و از سوی دیگر بر مبنای علیت و دترمینیسم قرار دارد؛ لذا نوعی ناسازگاری در درون خود دارد. پیروان ویتالیسم^۱ یا جاندار انگاری و نظریه‌های ارگانیکسمی یا انداموارگی که نهادها و حکومت‌ها را همچون انسان واجد رشد طبیعی و دیگر ویژگی‌های موجودات زنده می‌دانستند، عقاید پیشین و قرن هجدهمی مبنی بر مکانیستی بودن حکومت را رد و آن‌ها را به ساده‌انگاری و خام‌اندیشی متهم کردند؛ اما همه این نظریه‌ها یک نقطه اشتراک داشتند و اینکه تاریخ از الگویی خاص تبعیت می‌کند.

نظریه‌پردازان اندامواره‌گرا می‌گفتند آنچه در قرن هجده مغفول مانده است این است که قوانین حاکم بر امور بشر یگانه و بی‌همتا و کلاً غیر از قوانین حاکم بر ماده بی‌جان‌اند، و فقط کسی می‌تواند به فهم آن‌ها کامیاب شود که به درک اصول «رشد» و یا «تکامل» برسد، نه اصول انباشت یا حرکت اجسام در فضا. بنا بر اصول رشد و تکامل، پذیرفته نیست که «کلیتی» مانند ارگانیکسم انسانی یا واحدی اجتماعی مثل جامعه، دولت، دین، زبان یا نظام‌های فکری یا نظام‌های حقوقی به اجزای سازنده یا «ذرات» خود تجزیه شوند؛ زیرا در آن صورت آنچه از قلم می‌افتد اتصالات، پیوستگی‌ها، الگوها و ساختارهای ناملموس و حتی وصف‌ناپذیری است که هر کلیتی را متصل به هم نگه می‌دارد و دلایل و خصلت یگانه و رفتار خاص و سرنوشت آن را نشان می‌دهد (برلین، ۱۳۹۳: ۲۰۸). زیست‌شناسی در قالب علوم طبیعی ناظر بر موجودات انسانی خواه به صورت متافیزیکی هگلی و خواه به شکل تکاملی داروینی آن، اکنون قابلیت تدوین و انتقال پیدا کرده و آموختنی شده است.

پس آیا کشورداری را هم می‌توان تجربی و آموختنی دانست؟ در اینجا شرایط درونی افراد به میان می‌آید. گاهی در شرایطی خاص گروه‌هایی از افراد شیفته بعضی اعتقادات، اگر موقعیت مناسب باشد می‌توانند موجب دگرگونی‌های بسیار دامنه‌دار و گسترده شوند. ولی کاملاً آشکار به نظر می‌آید که موفق‌ترین دولتمردان و اصلاحگران با وسایلی بسیار متفاوت به مقصود رسیده‌اند و نظریه‌هایی که می‌گویند جامعه را چگونه می‌توان تغییر داد به ندرت با عمل انطباق پیدا می‌کنند. روبسپیر و یوزف دوم (امپراتور اتریش) و لنین نتوانستند اندیشه‌های خود را عملی سازند؛ اما بیسمارک و لینکلن و لوید جرج و روزولت عموماً توانستند. اتریش در سال ۱۷۹۰، فرانسه در سال ۱۷۹۴ و روسیه در ۱۹۲۰ با رؤیاهای آن اصلاح‌گران بزرگ سازگار نبود؛ اما آلمان و انگلستان و آمریکا در دوره‌های مربوط، برای آنچه دولتمردان عمل‌گرای کشورشان در ایجاد آن می‌کوشیدند، بهتر آمادگی داشتند. تغییراتی که بیسمارک یا روزولت به وجود آوردند دامنه‌ای بس پهناور داشتند و در سرنوشت بشر تأثیر ریشه‌دار گذاشتند. تفاوت میان دولتمردان عمل‌گرا و دولتمردان ناکجاآبادگرا در این است که عمل‌گرایان ماهیت ماده و مصالحی را که با آن سروکار دارند - یعنی طبیعت بشری - درک می‌کنند؛ اما ناکجاآبادگرایان آن را درک نمی‌کنند (همان: ۲۱۱). محور اصلی بحث همین درک فضا و شرایط محیط است. دولتمرد عمل‌گرا باید درک درست و روشنی از فضا و شرایط روز داشته باشد. دولتمرد موفق همانند هنرمندی است که هنر و ابزار کار خود را به خوبی درک می‌کند. داوری و کاردانی و حس تشخیص زمان مناسب و فهم رابطه وسیله با هدف، همه وابسته به عوامل تجربی است؛ مانند تجربه و مشاهده و از همه مهم‌تر، «حس واقعیت» که عمدتاً عبارت است از ادغام شمار کثیری از عوامل

کوچک و نامحسوس که در هر وضعیت مجموعاً الگویی تشکیل می‌دهند و این الگو خودبه‌خود حکایت از اقدام شایسته می‌کند یا مقتضی آن است.

۳- روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و در راستای رسیدن به هدف بررسی متغیرهای مؤثر بر جهانی اندیشی و میزان اهمیت آن‌ها و استفاده از روش کتابخانه‌ای و مطالعه متون فارسی و انگلیسی است. سپس برای سنجش روابط علت و معلولی از روش سیستمی دیمتل استفاده شد. پیش‌نیاز روش دیمتل، تعریف متغیرهایی است که می‌خواهیم روابط بین آن‌ها را شناسایی کنیم. پس از مشخص شدن متغیرها، این گام‌ها طی می‌شوند: تشکیل ماتریس ارتباط، نرمال کردن ماتریس ارتباط، محاسبه ماتریس تأثیر مستقیم و غیرمستقیم کامل، تعیین ارزش آستانه و رسم گراف. برای تکمیل پرسش‌نامه پژوهشگرانی در حوزه جغرافیای سیاسی، ژئوپلیتیک و مطالعات فرهنگی برای این بخش از پژوهش انتخاب شدند و یافته‌های کتابخانه‌ای و میدانی با روش سیستمی دیمتل مورد ارزیابی قرار گرفت.

۴- یافته‌های پژوهش

جهان‌وطنی و جهان‌اندیشی چارچوبی را برای درک جهانی شدن در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... فراهم آورده است. اولریش بک (۲۰۰۶) بیان می‌کند جهانی اندیشی بزرگ‌ترین ایده قرن بیستم محسوب می‌گردد و این امکان را فراهم آورده است تا بتوانیم چالش‌های جهانی‌سازی را به‌خوبی درک نماییم (Beck, 2010: 15). او بیان می‌کند داشتن رویکردی جامع به جهانی اندیشی از اهمیت بسزایی برخوردار است بدین معنا که باید ابزارها و روش‌های جهانی اندیشی را به‌خوبی مورد بررسی و شناسایی قرار داده تا از این عوامل برای رشد و توسعه درونی کشورها و ملت‌ها به‌درستی استفاده شود. در این بخش از پژوهش به بررسی عوامل مؤثر بر جهانی اندیشی در ابعاد مختلف می‌پردازیم:

۴-۱- عوامل اجتماعی - فرهنگی

۱- پویایی فرهنگی: پویاسازی فرهنگی منجر به ظهور یک جهان مشترک و آگاهی از جهانی اندیشی و مؤلفه‌های آن می‌شود. این عامل می‌تواند شیوه‌های حاکمیت را زیر سؤال برد و مشکلاتی را در زمینه حقوق بشر برای کشورها به وجود آورد. در واقع در این مؤلفه ما شاهد مبادلات بین‌المللی و نمادین فرهنگی هستیم (Pieterse, 2009: 7). مطالعات ارژون آپاددورای (۲۰۰۵) نشان می‌دهد تعامل بین جریان‌های مختلف که در آن فرهنگ از نقش کلیدی برخوردار است دارای سه ویژگی است: ۱. جریان اطلاعات از طریق رسانه‌هایی مانند تلویزیون و اینترنت، ۲. جریان افراد از طریق مهاجرت، جهانگردی و اشکال دیگر تحرک، ۳. جریان ایده‌هایی که توسط انتشارات وارد بازار مصرف شده؛ مانند دموکراسی یا حقوق بشر (Woodward, 2009: 211). جریان‌های آسیا، تصاویر، شیوه‌ها و ایده‌ها منجر به ظهور آگاهی و ایجاد جهانی اندیشی مشترک در میان ملت‌های مختلف می‌گردد؛ بنابراین می‌توان گفت که پویایی جهانی اندیشی مبتنی بر جریان محتوای فرهنگی است. به لطف این جریان‌ها تعداد فزاینده‌ای از افراد در معرض اخبار مشابه رسانه‌های جهانی (فکس نیوز، یورونیوز، بی‌بی‌سی، الجزیره و...) قرار گرفته‌اند، موسیقی مشابهی را گوش می‌دهند. از وقایع مهم ورزشی، جنگ‌ها، بلاهای طبیعی، کشته شدن افراد مشهور اطلاع پیدا نموده و تا حدودی از احساس مشترکی در این زمینه‌ها برخوردار می‌شوند.

۲- اجتماعی شدن افراد: یکی از عوامل تأثیرگذار بر جهانی اندیشی، اجتماعی شدن افراد است. زیرا افراد اجتماعی از درک مناسبی جهت چگونگی کنار آمدن با فرایند جهانی شدن برخوردار هستند (Cicchelli & Octobre, 2018: 15). جهانی شدن زندگی افراد، سبک زندگی، ارزش‌ها، رفتارها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. پیوند بین احساس تعلق با بعد ملی و فراملی و جهانی سبب پذیرش اختلافات فرهنگی و ساختن یک هویت شخصی نوین در افراد از طریق افزایش

تعاملات می‌گردد. برخی از جامعه‌شناسان جهانی اندیشی را به عنوان عاملی که سبب ایجاد افرادی با روحیه سازنده که اغلب برای عبور از مرزهای فرهنگی و سیاسی به صورت مشترک منجر به حفظ و ایجاد تعاملات اجتماعی می‌پردازند معرفی می‌کنند (Cicchelli, 2018: 12). در این بعد گشودگی فکری و زیباشناسی روابط بین افراد سبب ایجاد تحرک برای تولید یک رویکرد جهان وطنی در عرصه خرد و کلان می‌گردد. صلاحیت حرکت در یک بستر جهانی به صورت متنوع و ترکیبی است که افراد گوناگونی را که از هویت و فرهنگ مختلفی برخوردار هستند را در نظر می‌گیرد (Germann, 2005: 519).

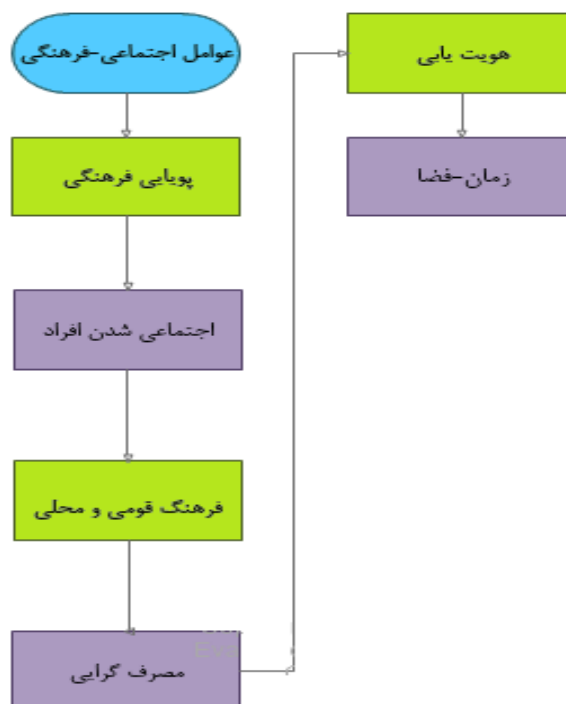
۳- فرهنگ قومی و محلی: در شرایط جهانی اندیشی ما شاهد افزایش روند قومیت‌گرایی و فرهنگ محلی هستیم. روند جهانی اندیشی سبب پر رنگ شدن هویت قومی و خودآگاهی اقوام و اقلیت‌های مذهبی و زبانی شده است. در واقع این بدان معنا است که جهانی اندیشی سبب فراموشی فرهنگ‌های بومی منطقه‌ای و ملی نشده است. بلکه برخی از فرهنگ‌ها که امروزه با عنوان فرهنگی ملی از آن‌ها یاد می‌شود مصنوعی هستند و معتقدند که خطوط جداکننده واحدهای سیاسی نمی‌توانند جداکننده فرهنگ‌ها نیز باشند و چنانچه دلبستگی نهایی افراد، هویت بومی، قومی، فرهنگی و دینی آن‌ها باشد با افزایش آگاهی ناشی از تعاملات و ارتباطات بین اقوام مختلف شاهد گسترش روزافزون آن‌ها هستیم؛ بنابراین جهانی اندیشی سبب گسترش هویت بومی در جوامع مختلف شده است (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۰: ۱۶۲). فرهنگ‌های قومی و محلی با تطبیق خود با واقعیت‌های نوین جهانی، می‌توانند نقش مهمی در فرایند جهانی شدن ایفا کرده و از آثار نامطلوب آن بر خرده فرهنگ‌ها بکاهند.

۴- مصرف‌گرایی: رابطه بین جهان وطنی و رفتار مصرف‌کننده، موضوع بسیاری از تحقیقات اخیر بوده است. در این بین کانن بیان می‌کند که مصرف‌کنندگان جهان‌گرا، ایده‌های جدید را راحت‌تر می‌پذیرند. آن‌ها تمایل دارند نیازهای کاربردی خود را با کالاها و خدماتی برآورده سازند که به بهترین نحو آن نیازها را ارائه دهند بدون اینکه به آداب و رسوم و عواقب اجتماعی استفاده از آن‌ها توجه کنند. به اعتقاد این محققان، اگر مصرف‌کنندگان جهان‌گرا اساس انتخاب‌های خود را بیشتر بر نیازهای کاربردی خود بگذارند تا سنن و آداب محلی، در این صورت جهان‌گرایی مصرف‌کنندگان مبنایی برای بخش‌بندی بازارهای بالقوه فراملی خواهد شد (Cannon, 1994: 22). از سوی دیگر یون بیان می‌کند که داشتن مشخصه‌های عمومی مشترک مانند بازانندیشی و داشتن مسافرت‌های بسیار، دارای ویژگی‌های خاص مشترکی مانند مهارت‌های کلومی، مثبت‌اندیشی و مدپرستی می‌تواند از عوامل تأثیرگذار جهان وطنی و اندیشه جهانی باشد (رنجبریان، ۱۳۸: ۱۰۷). مشتریان جهان‌گرا جستجوگرانی مصرفی هستند که به دنبال تنوع و بهبود در کالاهای مصرفی می‌باشند و در عوض از فرهنگ محلی با مصرف غذاهای خارجی و گوش دادن به موسیقی‌های خارجی دوری می‌کنند. راجرز بیان می‌کند که افراد جهان‌گرا تمایل دارند اولین مصرف‌کنندگان یک نوآوری باشند؛ بنابراین می‌توان مشاهده نمود که مصرف نیز بر جهان وطنی و جهانی اندیشی تأثیر می‌گذارد.

۵- هویت‌یابی: گیدنز در ارتباط با هویت بیان می‌کند که با افزایش آگاهی به مثابه یکی از مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی، افراد هویت خود را مورد بازانندیشی قرار می‌دهند و با نگاهی بازتر به آینده نگاه می‌کنند؛ بنابراین هویت در جریان زندگی به صورت مداوم تغییر می‌کند و هیچ‌کس از هویت ثابتی برخوردار نیست (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۲). با نفوذپذیرتر شدن رو به افزایش مرزهای اجتماعی و در هم تنیده شدن فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های مختلف در فضای رو به گسترش جهانی در تعاملات با یکدیگر قرار گرفته‌اند و باعث روشن‌تر شدن مسائل مشترک جهانی و گسترش ارزش‌های جهان‌شمول مانند هویت جهانی و گسترش شهروند جهانی شده است. بر این اساس هویت جهان وطنی به عنوان عام‌ترین هویت جمعی فراجامعه‌ای شناخته می‌شود. یعنی هویتی که تمامی افراد جدای از ویژگی‌های قومی، ملی یا منطقه‌ای و تنها به عنوان انسان یا همنوع باهم در ارتباط قرار می‌گیرند و در برابر یکدیگر دارای وظایف و مسئولیت‌هایی می‌شوند (محمدی، ۱۳۹۷: ۹۸). امروزه شاهد هستیم که به دلیل تنوع قومی از یک سو و فرایندهای مرتبط با جهانی شدن و جهانی اندیشی

هویت ملی در وضعیت مطلوبی قرار ندارد و هویت جهانی با روند رو به رشدی روبرو شده است و سبب تغییرات اساسی در هویت ملی و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آن در کشورهای مختلف شده است.

۶- زمان - فضا: در این ارتباط می‌توان به روش‌های زندگی فراملی، گفتگو و تخیلات و از سویی دیگر فرهنگ متحرکی که بر اساس جهانی اندیشی و جهانی وطنی در جوامع مختلف شکل می‌گیرد اشاره کرد. مبارزات بر سر تعلقات فرهنگی - اجتماعی بین مهاجران و اقلیت‌ها شکل می‌گیرد. نمونه‌هایی از شیوه‌های گفتگوی فرهنگی و جهان‌بینی را در زندگی روزمره از طریق فضای سایبر بین افراد مختلف در نقاط گوناگون جهان می‌توان به‌خوبی مشاهده نمود. ساسن^۱ (۲۰۰۰) نشان داده است که راهکارهای ترکیبی برای جابه‌جایی مناطق حاشیه‌ای و استفاده از نیروی کار مهاجر، قومیت‌ها و زنان در بسیاری از مناطق جهان در هسته مرکزی تقسیم کار قرار گرفته‌اند؛ بنابراین این عوامل می‌توانند از طریق زمان و فضا ویژگی‌های قومی و فرهنگی خود را به سایر نقاط منتقل نموده نوعی همزیستی را پدید آورند. در این بین جان تاملینسون^۲ نیز خاطرنشان کرد که ایده از بین بردن سرزمین در این موضوع از اهمیت بسزایی برخوردار است، به معنی سست شدن و تبدیل روابط فرهنگی به روابط مکانی. این جمله نشان‌دهنده تغییر پارادایم در نقش مکان در بستری از شبکه‌های جهانی است. فناوری اطلاعات به طور بالقوه باعث می‌شود تا افراد به صورت غیرفیزیکی به جامعه‌پذیری با مجاورت جغرافیایی وابسته نباشند. این افراد جدای از زندگی فیزیکی خود به طور هم‌زمان می‌توانند به شبکه‌های متراکم در سایر قاره‌ها متصل شوند؛ بنابراین یک سنتز غیر مکانی از معماری جهانی توسط فناوری دیجیتال پدید می‌آید (Beck, 2002: 23).



شکل ۱: عوامل اجتماعی مؤثر از جهانی اندیشی

منبع: یافته‌های پژوهش

1- Sassen

2- John Tomlinson

۴-۲- عوامل سیاسی

۱- **پویایی دیپلماسی:** شارپ دیپلماسی را اقدامی انسانی از طریق ساخت، بازنمایی، مذاکره و لزوماً مدیریت هویت‌های گمنام می‌داند. دیپلماسی استعاره‌ای برای درک کاری است که دیپلمات‌های حرفه‌ای در سطح روابط بین‌الملل انجام می‌دهند. شارپ معتقد است که هویت ملت‌ها در حقیقت توسط پویایی دیپلماسی شکل می‌گیرد که ناشی از قدرت نظم است و این امکان را فراهم می‌سازد که استقلال آن را نسبت به روابط بین‌الملل / نظام بین‌الملل یا مطالعات سیاست خارجی ادعا نماییم. نکته‌ای که شارپ بیان می‌کند آن است که دیپلماسی را نباید مستقل از نظام مدرن دولتی دید، زیرا محدود کردن تحلیل در تعیین این که چه کسی بازیگر دیپلماتیک است و چه کسی نیست ضرورتی ندارد. هنگامی که دیپلماسی به عنوان بازنمایی به جای ابزار مستقل سیاست خارجی در نظر گرفته شود، امکان دیدن چگونگی بیان شرایط انسانی که تجربه زندگی در سرزمین‌های مقتدر چند صد سال گذشته است را فراهم می‌کند (میرکوشش، بی تا: ۱۴). دیپلماسی در جهان کنونی تحت تأثیر جهانی اندیشی قرار دارد به گونه‌ای که سیاستمداران در کشورهای مختلف با استفاده از ابزار دیپلماسی در جهت افزایش قدرت چانه‌زنی خود بر می‌آیند. در بسیاری از موارد نیز ما شاهد هستیم که سیاست خارجی بسیاری از کشورها در زمینه دیپلماسی عمومی و فرهنگی تحت تأثیر یکدیگر قرار دارد و به صورت هماهنگ با یکدیگر عمل می‌نمایند؛ بنابراین پویایی دیپلماسی به درستی می‌تواند بر اندیشه جهان وطنی و جهان اندیشی تأثیرات قابل توجهی داشته باشد، زیرا سبب می‌شود تا بسیاری از کشورها در ارتباط با یکدیگر تلاش نمایند اقدامات سیاسی موردنظر را در راستای رسیدن به اهداف و منافع ملی خود شکل دهند و از فرصت‌های پیش رو در این زمینه حداکثر بهره‌برداری را نمایند.

۲- **مردم سالاری:** در جوامع مدرن شاهد این موضوع هستیم هنگامی که یک کشور به سمت مردم‌سالاری در حرکت است، این اندیشه از طرق مختلف به سایر کشورها در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی رسوخ می‌یابد و آن‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. مردم‌سالاری یکی از ابعاد مهم و تأثیرگذار در جهانی اندیشی و جهانی وطنی است. زیرا با خودآگاهی‌هایی که در ابعاد مختلف در افراد شکل می‌گیرد سبب می‌شود تا مردم به وظایف و مسئولیت‌های خودآگاهی بیشتری یافته و حقوق خود را بیشتر مطالبه نمایند و به صورت مستقیم این اندیشه نیز جهانی گردد و از طریق شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های مختلف به سایر مناطق منتقل گردد و تأثیرات آن را در جوامع مدرن به خوبی مشاهده نماییم. البته این موضوع در جوامع در حال توسعه چندان قطعیت ندارد؛ زیرا این جوامع اغلب با حکومت‌های اقتدارگرا و خودکامه روبرو هستند که اجازه خودآگاهی و خوداظهاری را به مردم نمی‌دهند. اما می‌توان انتظار داشت با پیشرفت و توسعه فناوری اطلاعات مردم‌سالاری در جوامع در حال توسعه در آینده‌ای نه‌چندان دور با روند رو به رشدی مواجه گردد.

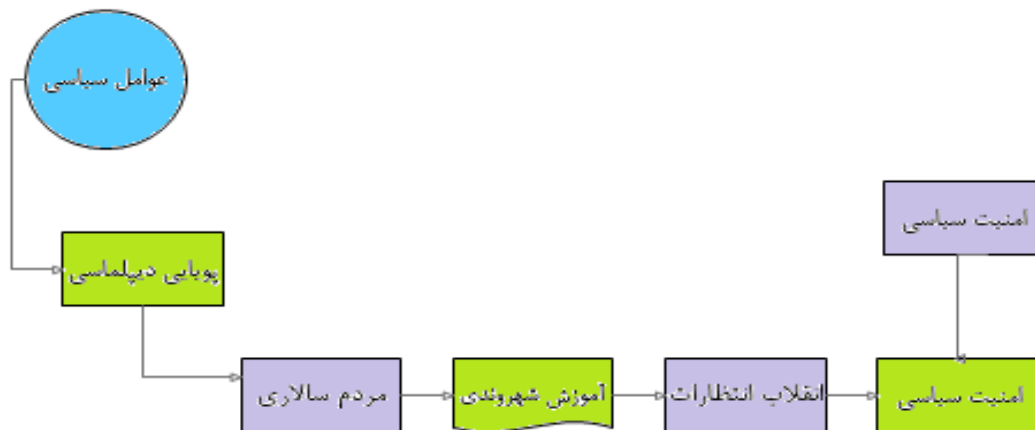
۳- **آموزش شهروندی:** آموزش شهروند جهان وطنی پاسخی به اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی و واقعیت‌های جهانی شدن است و می‌تواند مکانیسم مناسبی برای انتقال هسته‌های مشترک در اندیشه‌ها و عقاید جهانی را فراهم می‌کند. این عامل می‌تواند در انتقال ارزش‌هایی که ممکن است امور دموکراتیک را عادلانه‌تر و صلح‌آمیزتر نماید در ارتباط باشد (Osler, 2003: 243). با این وجود آموزش و یادگیری شهروند جهانی می‌تواند بر وفاداری به یک حکومت ملت پایه تأثیرگذار باشد. زیرا این عامل جهان را به صورت پیوسته و در ارتباط با یکدیگر می‌شناسد و بین اولویت‌های محلی و ملی اولویت‌های جهانی را مدنظر قرار می‌دهد. درک درست از عوامل مختل‌کننده، دسترسی به دانش عمومی، دستیابی به دانش جهت مشارکت سیاسی می‌تواند از عوامل مؤثر و مهم در این مورد باشند. ما یک جهان سیاسی به شدت متصل به یکدیگر داریم که در حال یکپارچه شدن مانند اقتصاد جهانی است (Osler, 2018: 37). در این جهان سیاسی متشکل سیستم‌ها و شرکت‌های چندملیتی به ایفای نقش می‌پردازند در واقع جهان به سمت همکاری، همگرایی و هماهنگی بیشتر پیش می‌رود نه فروپاشی. در فضای جدید جهانی، قرار گرفتن در شبکه‌های جهانی و همکاری با ابرساختارها تنها راه مناسب رشد و توسعه است؛ بنابراین آموزش شهروندی یکی از عوامل مهم و قابل توجه در این زمینه است.

۴- **انقلاب انتظارات:** یکی از ویژگی‌های جهانی اندیشی تأثیرات اینترنت بر توانایی افزایش دموکراسی و درک جهانی است (Zuckerman, 2013: 14). مطالعات بسیاری نشان می‌دهد که در مقیاس جهانی فضای سایبر می‌تواند بر افزایش ناسیونالیسم و پابندی به ارزش‌های مدرن تأثیر قابل توجهی داشته باشد. از سوی دیگر جهانی اندیشی سبب افزایش نیروهای جامعه مدنی در سطح جهانی می‌شود و با توجه به داشتن مجاری ارتباطی خواسته‌های افراد به سطح توده مردم در بسیاری از جوامع انتقال می‌یابد و آگاهی مردم بدین شکل افزایش پیدا می‌کند. با افزایش سطح آگاهی ما شاهد بالا رفتن انتظارات مردم بر اساس ارتباطاتی که با سایر جوامع داشته‌اند هستیم. به عبارت دیگر سیلی از تقاضا وارد سازه سیاسی فضایی شده و موجب شکل‌گیری انتظارات بالایی از سیستم سیاسی می‌گردد. انقلاب انتظارات به‌خودی‌خود می‌تواند سبب حیرانی در پاسخگویی و میزان شفافیت سیاستمداران یک کشور گردد و سپس دموکراسی‌خواهی در جهان با افزایش فزاینده‌ای روبرو گردد؛ بنابراین جهانی اندیشی سبب کاهش نقش و کارویژه‌های دولت و ظهور شرایطی نوین برای عبور از دموکراسی است (اخوان زنجانی، ۱۳۸۱: ۷۲). برخی از خواسته‌های این جوامع مدنی از طریق اصحاب رسانه و فضای سایبر به عنوان ابزار و اهرم فشار بر دولت‌ها و ملت‌های سایر کشورها می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد (پیری، ۱۳۹۶: ۴۸).

۵- **امنیت سیاسی:** جهانی اندیشی در بعد داخلی می‌تواند امنیت سیاسی را نیز تحت تأثیر خود قرار دهد؛ زیرا رشد خودآگاهی مردم تحت تأثیر رسانه‌های جدیدی قرار گرفته است. از این رو ما شاهد هستیم که مردم در داخل کشورها از احساس آزادی بیشتری برای بیان عقاید و خواسته‌های خود برخوردار شده‌اند. از سوی دیگر اگر محدودیتی در این نوع آزادی‌ها شکل گیرد گروه‌های مختلف اعتراضاتی را به نمایش خواهند گذاشت؛ بنابراین حکومت‌ها در چارچوب این نوع آزادی‌های ناشی از خودآگاهی ملزم به رعایت حقوق آزادی برای ملت خود هستند. در سطح خارجی نیز دموکراسی و سرمایه‌داری لیبرال سبب ضعیف شدن بسیاری از نظام‌های حکومتی در سطح بین‌المللی شده‌اند. زیرا توسعه و تسلط جهانی با ارزش‌های همسان‌سازی سیاسی در این نوع مکاتب به صورت خاص وجود دارد که با نوع خودآگاهی مردم در تضاد آشکاری قرار دارد. این موضوع به نوبه خود می‌تواند سبب افزایش موج‌ها و گرایش‌های اعتراضی در میان جوامع مختلف مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه گردد (حسین‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۸).

۶- **دموکراسی:** در این زمینه دیوید هلد بیش از هر صاحب‌نظر دیگری به موضع جهان وطنی و تأثیرات آن بر دموکراسی جهانی پرداخته است (هلد، ۱۳۸۱: ۲۸۱). هلد بیان می‌کند که در روابط بین جوامع مختلف با یکدیگر دگرگونی‌های قابل توجهی رخ داده است و این عامل سبب شده است تا نهادهای سیاسی جهت حل مشکلات مهم موجود در منطقه و جهان در راستای حل و فصل نابرابری‌های جهانی و بی‌عدالتی اجتماعی ناکافی به نظر رسد. وی برای ایجاد جهان وطنی دموکراسی سه سازوکار را مطرح می‌نماید: اول اینکه باید حدود قلمرو و نهادهای سیاسی از نو تعیین گردند به گونه‌ای که شکل جدیدی از ارتباطات بین ارکان امنیتی و مسائل زیست‌محیطی و ... شکل گیرد. دوم اینکه باید نقش و جایگاه کارگزاری‌های نظارتی و عملیاتی منطقه‌ای مورد بازاندیشی قرار گیرند به گونه‌ای که قادر باشند تا از هسته مرکزی قابل توجهی در عرصه منطقه‌ای و جهانی برخوردار شوند. سوم اینکه باید نوعی اتصال بین نهادهای سیاسی و گروه‌ها، کارگزاری‌ها، انجمن‌ها و ... با قبول ساختاری همساز با قواعد و اصول دموکراسی شکل گیرد. الگوی پیشنهادی هلد را می‌توان در تحلیل نهایی عبارت از تشکیل یک پارلمان دارای اعتبار و اختیار از تمامی دولت‌ها و نهادهای مدنی به یک سازمان ملل اصلاح یافته و بازسازی شده دانست. به گفته هلد دموکراسی جهان وطنی از شاخص‌هایی بدین صورت تشکیل شده است: ۱. نظم جهانی از شبکه‌های چندگانه و متداخل قدرت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در سطوح محلی، ملی و منطقه و جهانی شکل یافته است، ۲. حاکمیت اصول اخلاقی و ارزش‌های بنیادین عدالت اجتماعی، دموکراسی، حقوق بشر جهانی، امنیت انسانی و ...، ۳. دادن حق تعیین سرنوشت به همه گروه‌ها با قبول استقلال فردی و مجموعه‌ای از حقوق خاص، ۴. توسعه وضع و اجرای قانون در سطوح گوناگون، ۵. پذیرش اصول حقوقی که شکل و گستره عمل فردی و جمعی را در درون سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و جامعه مدنی تعیین می‌کند، ۶. حاکمیت اصل

روابط غیراجباری، ۷. همسازی فرآیندهای اقتصادی با روند دموکراتیک و یک چارچوب مشترک در عمل (رشیدی، ۱۳۸۶: ۱۱۸). جهانی اندیشی تأثیرات قابل توجهی بر شکل‌گیری دموکراسی در عرصه ملی برخوردار است. این عامل می‌تواند با تغییرات قابل توجهی که در روابط ملت‌ها و دولت‌ها شکل می‌دهد تا حدودی نوعی دموکراسی جهان وطنی با مؤلفه‌ها و شاخص‌های هماهنگ با سایر مناطق جهان برخوردار باشد و مردم و ساختارهای سیاسی را تحت تأثیر خود قرار دهد.



شکل ۲: عوامل سیاسی مؤثر بر جهانی اندیشی
منبع: یافته‌های پژوهش

۳-۴- عوامل اقتصادی

۱- توزیع مجدد ثروت: در جوامع جدید یکی از عوامل تأثیرگذار بر جهانی وطنی توزیع مجدد ثروت است. در عین حال مهم‌ترین و بارزترین تأثیر آن در جوامع مدرن تنش و کشمکش بر سر تقسیم ثروت و درآمد و به طور کلی خوبی‌ها، خیرها و چیزهای مثبت است؛ بنابراین توزیع ثروت در بسیاری از مناطق می‌تواند به عنوان عاملی مخاطره‌آمیز در یک جامعه محسوب گردد. در شرایط کمبود منابع طبیعی تولید ثروت به صورت موازی با تولید مخاطره در ارتباط مستقیم قرار دارد که در برخی از مواقع می‌تواند جمعیت جهانی را با تهدید روبرو سازد و این تهدید در میان طبقات اجتماعی، مرزهای ملی و بین نسلی نیز حرکت نماید (احمدی، ۱۳۹۴: ۱۰۳).

۲- اندازه دولت: جهانی شدن می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر اندازه دولت‌ها داشته باشد. با گسترش جهانی اندیشی و استفاده از فناوری ارتباطات و اطلاعات و همچنین فضای سایبر و اینترنت دولت‌ها از اندازه کوچک‌تری نسبت به گذشته برخوردار شده‌اند. در واقع پیشرفت در زمینه اطلاعات و فناوری سبب شده است تا دولت بسیاری از قوانین و قواعد دست و پاگیر خود ویژه در زمینه بازار سرمایه و اعتبارات، صنایع مهم مانند ارتباطات و حمل‌ونقل انرژی را حذف نماید (کریمی، ۱۳۸۹: ۱۴۸). جهانی اندیشی نشان می‌دهد که افزایش تحرک در سرمایه بین‌المللی موجب کاهش مخارج مرتبط با رفاه اجتماعی و پایه‌های مالیاتی می‌شود. زیرا جهت تسریع ورود سرمایه به کشور باید معافیت‌ها و بخشودگی‌های مالیاتی اعمال گردد که حاصل آن کاهش درآمدهای مالیاتی و در نهایت کوچک‌تر شدن دولت می‌شود (گلخندان، ۱۳۹۵: ۸). در هزاره سوم ما شاهد کوچک‌تر شدن اندازه دولت‌ها هستیم البته این موضوع در ارتباط با کشورهای توسعه‌یافته که از زیرساخت‌های ارتباطی و اقتصادی قوی‌تری برخوردار هستند بیشتر است.

۳- مالکیت مشاع زمین: این سخن که معادن هر کشور متعلق به مردم آن کشور است، سخنی صحیح نیست، همان‌طور که این بحث که هر کس معادنی را کشف و یا قطعه زمینی را تصرف کند مالک آن می‌شود سخنی است مربوط به دوران گذشته است. در این ارتباط جان لاک بیان می‌کند: موضوع اصلی مالکیت، میوه‌های زمین و حیواناتی که بر

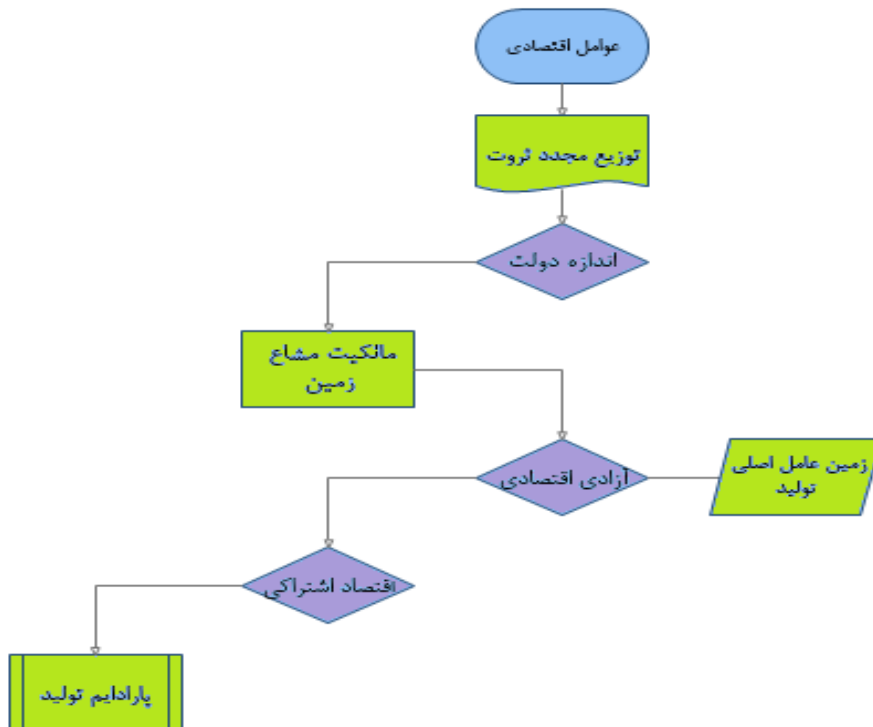
روی زمین وجود دارند نیست، بلکه بحث اصلی و مهم خود زمین است که همه آن چیزها را در خود به وجود می‌آورد. به عقیده من، مالکیت زمین هم مانند مالکیت همان نعمتهایی است که ذکر شد. انسان هر مساحتی از زمین را که شخم بزند و بذر بکارد و احیا کند و به زیر کشت ببرد و بتواند از محصولاتش استفاده کند، در مالکیتش قرار می‌گیرد؛ زیرا وی با این کار خود، آن حصه از زمین را از مالکیت مشترک همه جدا می‌سازد ... چنان‌که پیش‌تر گفتیم، هر کس نسبت به اشیائی که طبیعت به طور مشترک و برابر برای آدمیان به وجود آورده است حقی دارد و تا میزانی که بتواند از آن‌ها استفاده کند و با کار خود در آن‌ها اثر گذارد، مالک آن‌ها می‌شود؛ یعنی حق دارد آن میزان از نعمت‌های دنیوی را که می‌تواند با کار خود از حالت طبیعی خارج کند، به ملکیت خود درآورد. بنا بر نظریه جهان‌وطنی، معادن و منابع زمین متعلق به بشریت حال و آینده است و بهره‌برداری از معادن و منابع طبیعی باید طبق قوانین و مقررات نظریه جهان‌وطنی انجام شود. همچنین از آنجا که اجرای هر طرح صنعتی و یا عمرانی در هر محل دارای پیامدهای جهانی است، اجرای هر طرح باید در چهارچوب مقررات و ضوابط جهان‌شمول و پس از اخذ مجوز از طرح جامع جهانی زیست‌محیطی و طرح جامع جهانی توسعه اجرا شود. همان‌گونه که معادن و منابع زمین متعلق به کلیه انسان‌های زمین به صورت مشاع است و علاوه بر نسل کنونی نسل‌های آینده را نیز در مالکیت و بهره‌برداری از آن‌ها به شرط پرداخت عوارض برداشت و هزینه‌های بازیافت و هزینه‌های جبران خسارات زیست‌محیطی سهیم هستند؛ بلکه دانائی، حکمت، هنر و علوم و فنون و آگاهی و خلاصه فرهنگ بشری امروز نیز متعلق به همه انسان‌های زمین به صورت مشاع است.

۴- زمین عامل اصلی تولید: در حکومت جهان وطنی تولیدکننده یک محصول نه‌تنها عوارض بسیار بالایی را برای برداشت از منابع و معادن باید پرداخت نماید؛ بلکه باید هزینه بازیافت جبران خسارات وارد شده به محیط‌زیست را نیز جبران کند که این عامل در سیاست زیست‌محیطی کشورها به‌خوبی قابل مشاهده است. امروزه کشورهایی که از سیاست زیست‌محیطی بهتر در عرصه جهانی برخوردار هستند می‌توانند این عوامل را به سایر کشورها نیز منتقل نمایند و آن‌ها را با خود همراه و همگام سازند. در واقع جهانی اندیشی ناشی از حکومت جهان وطنی بیان می‌کند که باید سازمانی جهانی به نیابت از کشورهای مختلف تشکیل گردد و عوارض برداشت از منابع و معادن را با قیمتی مناسب از کشورها دریافت و به نفع کل بشریت در جهت رفع خسارات زیست‌محیطی، بلایای طبیعی، فقر، تبعیض و ... به مصرف برساند.

۵- آزادی اقتصادی: در اندیشه جهان‌وطنی آزادی اقتصادی به موازات آزادی‌های سیاسی در نظر گرفته شده است. هر کس در جامعه جهان‌وطنی حق دارد و آزاد است تا هر میزان که توان دارد در به‌کارگیری منابع و مخازن طبیعی تلاش کند مشروط بر آن که اولاً بهای این کالاهای طبیعی را به زمین بپردازد و ثانیاً مالیات متناسب با سود حاصله را پرداخت نماید. ایجاد سازگاری بین فعالیت آزادانه فردی و مالکیت اشتراکی معادن و منابع زمین از دغدغه‌های فکری پیروان مکتب جهان‌وطنی است. جان استوارت میل (۱۸۷۳ - ۱۸۰۶) که در اواخر عمر به اصول سوسیالیسم روی آورده بود نیز با چنین دغدغه‌هایی روبرو بود. وی می‌گفت: «به نظر ما، مسأله‌ی اجتماعی آینده این است که چگونه بالاترین آزادی عمل فرد را با مالکیت اشتراکی مواد اولیه جهان هماهنگ و متحد سازیم و امکان مشارکت مساوی همگان را در منافع کار مشترک فراهم آوریم. حاکمیت در شکل آرمانی موردنظر من وجود طبقات را نفی نمی‌کند و در پی پدیدآوردن جامعه بی‌طبقه نیست. حاکمیت از نظر من وظیفه‌اش قبول طبقات در جامعه، مشروط به تسهیل هرچه بیشتر حرکت و انتقال فرد از طبقه‌ای به طبقه‌ای دیگر است. من انسان را موجودی می‌دانم که هستی و حیات خود را باید با ظهور و بروز امیال خود نشان دهد. بزرگ‌ترین میل و انگیزه هر فرد چه در زمینه مادی و چه در زمینه معنوی صعود از طبقه‌ای به طبقه بالاتر است. حتی در هر طبقه نیز لایه‌های متعددی هست و هر فرد، انگیزه صعود از لایه‌های زیرین به لایه‌های بالایی طبقه خود را دارد. این انگیزه‌ها را باید قدر شناخت. این روندی طبیعی و عقلانی است که در تاریخ کم‌وبیش، شتابان و آهسته، مدام و پیوسته کار خود را می‌کند. کار حاکمیت تسهیل حرکت «فرد» در میان طبقات است». یادآوری این پیش‌فرض به جا است که: فرودست‌ترین فرد هر طبقه در صورت شایستگی باید بتواند در فرازترین محل قرار گیرد و فاصله طبقاتی هرگز نباید آن‌چنان زیاد باشد که عده‌ای امکان پرورش ذوق و استعداد خود را نداشته باشند.

۶- **اقتصاد اشتراکی:** برخوردهای مثبت بین گروهی سبب افزایش روابط بین افراد می‌گردد (Pettigrew & Ladegaard, 2006: 754). دسترسی به اطلاعات و ارتباطات سبب افزایش همفکری بین افراد شده است (, 2018: 383) و از این رو مردم با افرادی که دارای عقاید و نگرش‌های خاصی هستند در ارتباط و تعامل هستند و این عامل سبب ایجاد هم‌افزایی میان افراد می‌گردد (Sunstein, 2009: 14). اقتصاد اشتراکی نیز از طریق فناوری اطلاعات مانند تلفن هوشمند، اینترنت و سیستم‌های دیجیتال میان افراد جوامع مختلف شکل می‌گیرد (Sundararajan, 2016: 25). برخی از مشارکت‌کنندگان در اقتصاد اشتراکی به دنبال به دست آوردن حداکثر سود هستند (Schor, 2015: 69). اقتصاد اشتراکی را به عنوان یک فرصت مناسب جهت ایجاد بازارهای اقتصادی مبتنی بر ارتباطات اقتصادی و شخصی می‌دانند (Wengronowitz, 2018: 5). بنابراین در جهان امروز وجود فضای سایبر در عرصه‌ها اقتصادی سبب ایجاد هم‌اندیشی اقتصادی بین جوامع گوناگون شده است که خود زمینه‌ساز ایجاد یک سازمان مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و ... برای تعاملات و ارتباطات اقتصادی در ابعاد خرد و کلان می‌گردد.

۷- **پارادایم تولید:** ناسیونالیسم روش‌شناختی متفاوتی را بین تولید، طبقات اجتماعی، قدرت سیاسی و سرزمین ایجاد کرده است. فناوری موج سوم ارتباطات و رایانه‌سازی سبب شده تا عوامل تولید یک سرزمین به یکدیگر پیوند خورند. امکانات جدید از طریق اینترنت به تجارت وارد شده و دنیایی با تفکرات به‌هم‌پیوسته را ایجاد کرده که دارای مقیاس فراملی است. نتیجه قاطع در این بخش این است که مقررات به صورت فراملی ایجاد می‌شوند و در فضای داخلی تحولات اساسی در ارتباط با گزینه‌ها و موقعیت‌های تصمیم‌گیری به‌ویژه تصمیمات مرتبط با بنگاه‌های محلی و ملی تحت تأثیر جهانی شدن امکانات و افزایش رقابت‌پذیری قرار می‌گیرند. در واقع تغییر پارادایم تولید سرزمینی به سمت بازار محلی یا ملی گرایش یافته و به تولید اشکال غیر سرزمینی در بازارهای ملی یا جهانی منجر می‌گردد و بازار فراملی شده و جریان کالاها و خدمات را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.



شکل ۳: عوامل اقتصادی مؤثر بر جهانی اندیشی

منبع: یافته‌های پژوهش

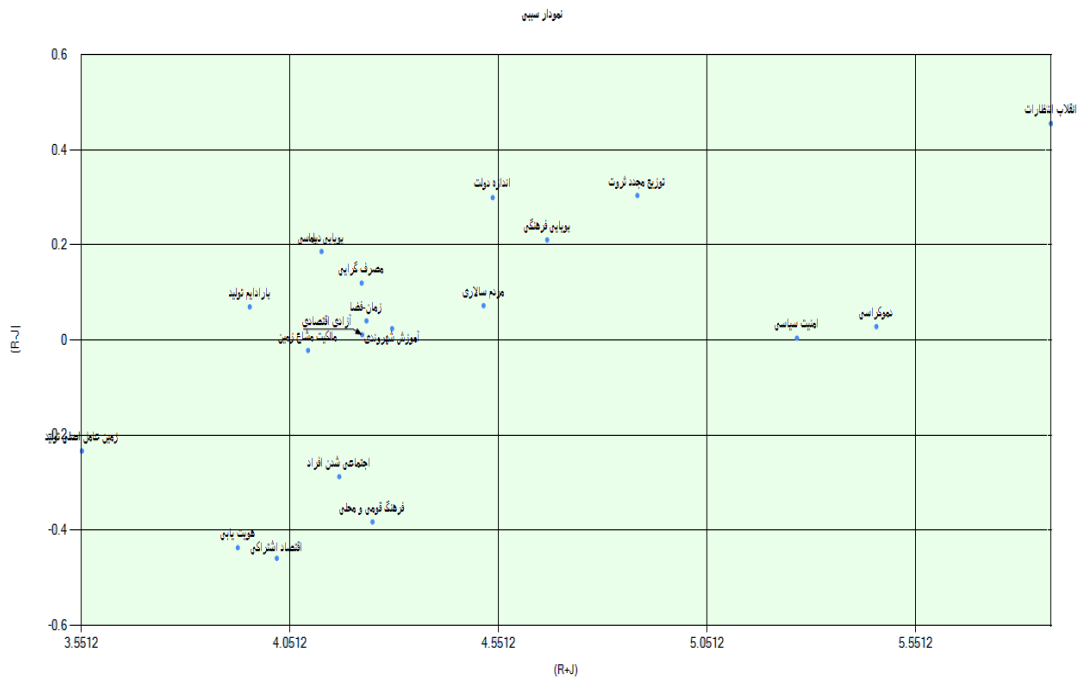
۴-۴- ارزیابی یافته‌ها با روش سیستمی دیمتل

در این بخش از پژوهش تجزیه و تحلیل پرسش‌نامه‌های مرتبط با روش سیستمی به صورت جدول ۱ و نمودار شکل ۴ در ادامه آورده شده است:

جدول ۱: ارتباط بین متغیرهای جهانی اندیشی

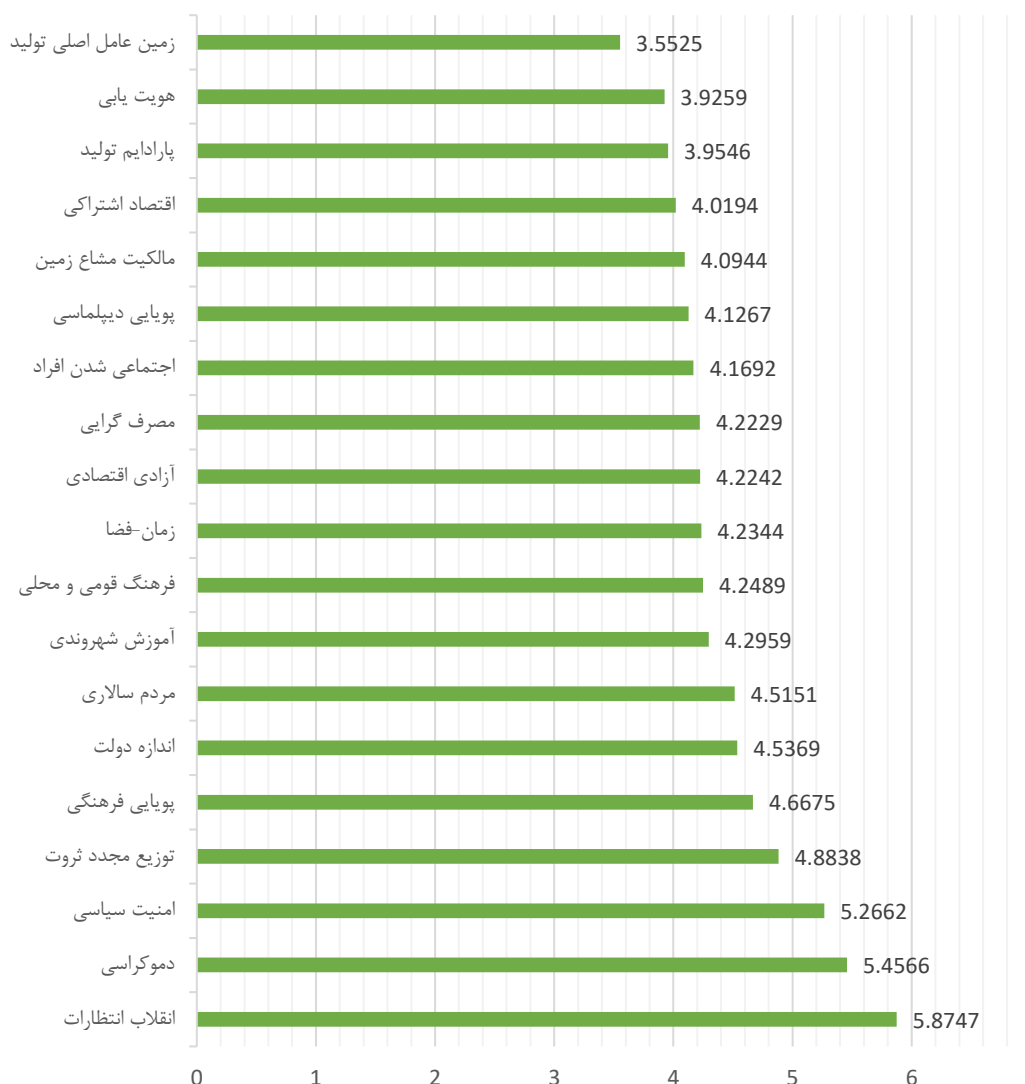
نام گزینه	مجموع ستونی R	مجموع ستونی J	R+J	R-J
انقلاب انتظارات	۳.۱۶۵	۲.۷۰۹۷	۵.۸۷۴۷	۰.۴۵۵۳
دموکراسی	۲.۷۴۲۳	۲.۷۱۴۳	۵.۴۵۶۶	۰.۰۲۸
امنیت سیاسی	۲.۶۳۵	۲.۶۳۱۲	۵.۲۶۶۲	۰.۰۰۳۸
توزیع مجدد ثروت	۲.۵۹۳۸	۲.۲۸۹۹	۴.۸۸۳۸	۰.۳۰۳۹
پویایی فرهنگی	۲.۴۳۹	۲.۲۲۸۵	۴.۶۶۷۵	۰.۲۱۰۵
اندازه دولت	۲.۴۱۸۲	۲.۱۱۸۷	۴.۵۳۶۹	۰.۲۹۹۴
مردم‌سالاری	۲.۲۹۳۶	۲.۲۲۱۵	۴.۵۱۵۱	۰.۰۷۲۱
مصرف‌گرایی	۲.۱۵۹۹	۲.۱۳۶	۴.۲۹۵۹	۰.۰۲۳۸
آموزش شهروندی	۱.۹۳۲۹	۲.۳۱۵۹	۴.۲۴۸۹	۰.۳۸۳-
پویایی دیپلماسی	۲.۱۳۷۳	۲.۰۹۷۲	۴.۲۳۴۴	۰.۰۴۰۱
زمان - فضا	۲.۱۱۷۵	۲.۱۰۶۷	۴.۲۲۴۲	۰.۰۱۰۸
آزادی اقتصادی	۲.۱۷۱۳	۲.۰۵۱۶	۴.۲۲۲۹	۰.۱۱۹۷
مالکیت مشاع زمین	۱.۹۴۰۸	۲.۲۲۸۵	۴.۱۶۹۲	۰.۲۸۷۷-
پارادایم تولید	۲.۱۵۶۴	۱.۹۷۰۳	۴.۱۲۶۷	۰.۱۸۶۱
اجتماعی شدن افراد	۲.۰۳۶۱	۲.۰۵۸۲	۴.۰۹۴۴	۰.۰۲۲۱-
فرهنگ قومی و محلی	۱.۷۷۹۹	۲.۲۳۹۴	۴.۰۱۹۴	۰.۴۵۹۵-
اقتصاد اشتراکی	۲.۰۱۲۱	۱.۹۴۲۶	۳.۹۵۴۶	۰.۰۶۹۵
هویت‌یابی	۱.۷۴۴۴	۲.۱۵۱۱۸	۳.۹۲۵۹	۰.۴۳۷۱-
زمین عامل اصلی تولید	۱.۶۵۹۴	۱.۸۹۳۱	۳.۵۵۲۵	۰.۲۳۳۷-

منبع: یافته‌های پژوهش



شکل ۴: روابط علت و معلولی بین متغیرهای موجود
منبع: یافته‌های پژوهش

بررسی جهانی اندیشی بر اساس ۱۹ معیار و شاخص مطابق جدول ۱ پرداخته شد. برای بررسی معیارها از نظر ۱۸ خیره استفاده شده است. میزان اهمیت شاخصها $(J_i + R_i)$ و رابطه بین معیارها $(J_i - R_i)$ مشخص می‌گردد. اگر $J_i - R_i > 0$ باشد معیار مربوطه اثرگذار و اگر $J_i - R_i < 0$ باشد معیار مربوطه اثرپذیر است. جدول بالا، $J_i + R_i$ و $J_i - R_i$ را نشان می‌دهد. نمودار شکل ۴ میزان اهمیت و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بین معیارها را نشان می‌دهد. بردار افقی $(J + R)$ میزان تأثیر و تأثر عامل مورد نظر در سیستم است. به عبارت دیگر هر چه مقدار $J + R$ عاملی بیشتر باشد، آن عامل تعامل بیشتری با سایر عوامل سیستم دارد. متغیرهایی مانند انقلاب انتظارات (۵.۸۷۴۷) ، دموکراسی (۵.۴۵۶۶) ، امنیت سیاسی (۵.۲۶۶۲) ، توزیع مجدد ثروت (۴.۸۸۳۸) ، پویایی فرهنگی (۴.۶۶۷۵) و ... نشان‌دهنده تعامل بالا و ارتباط سیستمی قوی با سایر متغیرها هستند. از سوی دیگر بردار عمودی $(J - R)$ قدرت تأثیرگذاری هر عامل را نشان می‌دهد. متغیر پارادایم تولید (۰.۰۶۹۵) ، پویایی دیپلماسی (۰.۱۸۶۱) ، مصرف‌گرایی (۰.۰۱۰۸) ، زمان-فضا (۰.۰۴۰۱) و ... علت این مدل سیستمی محسوب می‌شوند و عواملی مانند فرهنگ قومی و محلی، اجتماعی شدن افراد، مالکیت مشاع زمین، اقتصاد اشتراکی، هویت‌یابی، زمین اصلی تولید و ... به عنوان معلول نمایش داده شده است. به‌طور کلی اگر $D - R$ مثبت باشد، متغیر یک متغیر علی محسوب می‌شود و اگر منفی باشد، معلول محسوب می‌شود.



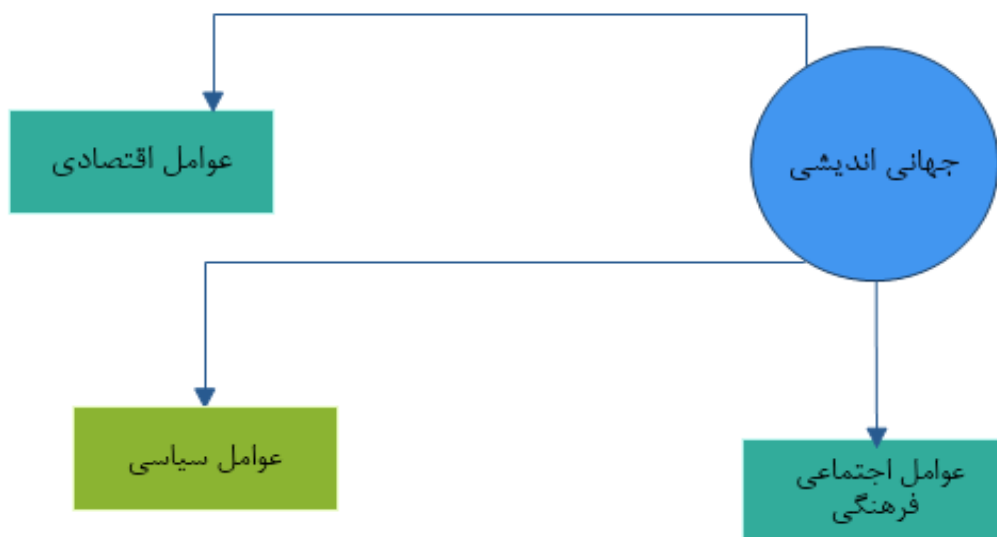
شکل ۵: رتبه بندی متغیرهای جهانی اندیشی

منبع: یافته‌های پژوهش

۵- نتیجه گیری

جهانی اندیشی و جهانی وطنی عاملی برای افزایش دستیابی جهانیان به صلح پایدار است. جهانی اندیشی به معنای داشتن اندیشه و احساس مشترک در سطح جهانی (توجه به علایق و نگرانی‌های جهانی)، در تمامی ابعاد است و این عامل می‌تواند نمود بسزایی در جنبه‌های اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و سیاسی داشته باشد و سبب هم‌افزایی گردد؛ بنابراین توجه به فضای پیش‌آمده در سایبر با انقلاب ارتباطات و اطلاعات زمینه مناسبی را بر حکومت‌های ملت پایه برای یکی شدن اندیشه و تحت تأثیر قرار دادن سایرین بر اساس اندیشه‌ها و تفکرات خود را پدید آورده است. جهانی اندیشی روال‌های تفکری را ارائه می‌دهد که درک و فهم دنیای پیچیده امروزی جهانی شده را تقویت می‌کند. مواد و ابزارها شامل چارچوبی برای تفکر در مورد شایستگی جهانی و ارائه واضح در مورد ظرفیت‌های مختلف مرتبط با شایستگی جهانی است. این عامل وابسته به نحوه برنامه‌ریزی و مستندسازی تجربیات خود و به اشتراک گذاشتن این تجربیات با دیگران است. در دوره کنونی، نوظهورترین روندهایی را که حتی دورتر از افق آن‌ها قرار دارند، احساس کنید. آن‌ها باید به‌موقع

فکر کنند و یک طرز فکر جهانی را بپذیرند که مستلزم متعهد شدن به چالش‌های جدید آینده است. جهانی اندیشی مستلزم ترکیب بسیاری از عناصر روانی، اراده و وجدان انسان است. اول از همه، نیاز به درک این واقعیت دارد که همه ما قطعات کوچک و مینیمال یک پازل عالی هستیم، و هر یک از ما نقش بزرگی در آنچه که پازل در پایان پیدا می‌کند بازی می‌کنیم. به این معنی که آنچه ما در زندگی روزمره خود انجام می‌دهیم، به روش‌های جدی روی سیاره تأثیر می‌گذارد، و تنها تعداد کمی از ما در واقع از این مسئولیت آگاه هستیم. جهانی فکر کردن به این معنی است که شما میزان مناسبی از همدلی، کنشگری و تمایل به حفظ آنچه که زمین و انسان‌ها را به عنوان یک کل مشخص می‌کند، دارید، و می‌دانید که می‌توانید کاری برای تغییر آینده انجام دهید یا از اتفاق بدی جلوگیری کنید. برای رسیدن به مزایای ایجاد یک ذهنیت تدریجی و جهانی پس از رسیدن به این سطح از درک، همیشه می‌توانیم ابتدا از جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم شروع کنیم. می‌توانیم با حمایت از مقررات بهداشتی بهتر، تجزیه و تحلیل محیطی، ارتباطات و بسیاری از راه‌های دیگر فعالیت برای کمک به گسترش آگاهی در مورد اهمیت شروع کنیم. برای تفکر جهانی، در واقع می‌توان مردم را تشویق کرد که ارتباطات را به صورت کلی در نظر بگیرند و در جوامع و شهرهای خود اقدامات ملزوم را انجام دهند. در نهایت اینکه جهانی اندیشی را می‌توان یکی از ابعاد قدرت نرم در نظر گرفت. مسلم است کشوری که در عرصه ارتباطات و اطلاعات از زیرساخت‌های مناسبی برخوردار است بیشتر می‌تواند از قدرت نرم در این زمینه برخوردار گردد و در راستای اهداف و منافع ملی خود گام بردارد. این عامل می‌تواند در راستای حقوق سیاسی بین‌المللی و حق مشترک بشریت به کار گرفته شود. مهم‌ترین یافته‌های پژوهش به شرح زیر است: متغیرهایی مانند انقلاب انتظارات، دموکراسی، امنیت سیاسی، توزیع مجدد ثروت، پویایی فرهنگی، مردم‌سالاری، آموزش شهروندی و ... نشان‌دهنده تعامل بالا و ارتباط سیستمی قوی با سایر متغیرها هستند. متغیرهایی مانند پارادایم تولید، پویایی دیپلماسی، مصرف‌گرایی، زمان - فضا و ... علت این مدل سیستمی محسوب می‌شوند. متغیرهایی مانند فرهنگ قومی و محلی، اجتماعی شدن افراد، مالکیت مشاع زمین، اقتصاد اشتراکی، هویت‌یابی، زمین عامل اصلی تولید و ... به عنوان معلول در این سیستم هستند.



شکل ۶: عوامل مؤثر بر جهانی اندیشی
منبع: یافته‌های پژوهش

منابع

۱. احمدی، حبیب، دهقانی، رودابه (۱۳۹۴). آراء و اندیشه‌های اولریش بک (نظریه‌پرداز جامعه مخاطره‌آمیز)، فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، ۱۰ (۲): ۱۰۱-۱۲۶.
 ۲. احمدی نوحانی، سیروس، زنگنه شهرکی، حسین (۱۳۹۵). تبیین ژئوپلیتیکی ضرورت مدیریت شهر تهران در کلاس جهانی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۳۱ (۴): ۱۱۱-۱۲۶.
 ۳. اخوان زنجانی، داریوش (۱۳۸۱). جهانی شدن و سیاست تاریخی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، جلد اول.
 ۴. برلین، آیزایا (۱۳۹۳). قدرت اندیشه، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران، نشر ماهی.
 ۵. پیری، داریوش، میرزایی، نوشین (۱۳۹۶). جهانی شدن و تأثیرات سیاسی آن در ایران، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۱۳ (۳۸): ۴۳-۶۴.
 ۶. پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۰). ابعاد جهانی شدن، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۵۷، بهار.
 ۷. حسین زاده، مصطفی (۱۳۸۹). جهانی شدن و امنیت سیاسی، روزنامه رسالت، شماره ۷۰۱۷.
 ۸. رشیدی، احمد (۱۳۸۶). بازاندیشی دموکراسی و تحول رابطه جامعه و دولت در عصر جهانی شدن، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳۷ (۳۳): ۱۱۳-۱۳۸.
 ۹. رنجبریان، بهرام، قلی زاده، رسول (۱۳۸۸). قوم‌گرایی در مصرف و رابطه آن با میهن‌پرستی و گرایش‌های جهانی وطنی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان، نشریه مدیریت بازرگانی، ۱ (۳): ۱۰۶-۸۸.
 ۱۰. شریعتی، فهیمه، حسینی، سید مرتضی (۱۳۹۲). ذهن و تأثیرات بی واسطه آن از نظر ملاصدرا، دوفصلنامه علمی - پژوهشی حکمت‌صدرا، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، از صفحه ۸۴-۷۱.
 ۱۱. کریمی، سعید، قادری، سامان، بهرام سنگین آبادی (۱۳۸۹). اثر جهانی شدن مالی و تجاری بر اندازه دولت در ایران، فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، شماره‌های ۲۱ و ۲۲، صص ۱۶۴-۱۴۵.
 ۱۲. گل خندان، ابولقاسم (۱۳۹۵). جهانی شدن و اندازه دولت در ایران: با معرفی شاخص جدید جهانی شدن، مجله اقتصادی، شماره‌های ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۹۵، صص ۳۸-۵.
 ۱۳. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). چشم اندازه‌های جهانی، محمدرضا جلالی پور، نهران: طرح نو.
 ۱۴. محمدی، فردین (۱۳۹۷). سرمایه فرهنگی و هویت جمعی مطالعه پیمایشی دانشجویان دانشگاه کردستان، راهبرد فرهنگ، شماره چهل و چهارم، زمستان ۱۳۹۷.
 ۱۵. میرکوشش، امیر هوشنگ (۱۳۹۳). تبیین دیپلماسی عمومی و فرهنگی از منظر سازه‌انگاری جهان وطنی، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۴ (۱۳): ۱۳۰-۲۰۰.
 ۱۶. هلد، دیوید (۱۳۸۱). دموکراسی: از دولت شهرها تا یک نظم جهان وطنی، در رابرت گودین و فیلیپ پتیت، فلسفه سیاسی معاصر، ترجمه موسی اکرمی، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، صص ۲۴۳-۳۱۲.
1. Beck, U. (2002), The cosmopolitan society and its enemies. Theory, Culture & Society, 19, 17-44.
 2. Beck, Ulrich & Grande, Edgar, (2010), "Varieties of Second Modernity: The Cosmopolitan Turn in Social and Political Theory and Research", The British Journal of Sociology, vol. 61, no 3, pp. 409-443.
 3. Beck, Ulrich (2002), Theory, Culture & Society 2002 (SAGE, London, Thousand Oaks and New Delhi), Vol. 19(1-2): 17-44.

4. Calhoun, Craig, (2002), *Classical Sociological Theory*. Edited by Craig Calhoun. Blackwell, Social Forces, 81 (2): 684–686, <https://doi.org/10.1353/sof.2003.0021>
5. Cannon, H. M., Yoon, S. J., McGowan, L., Yaprak, A. (1994), “In search of the Global Consumer. Annual Meeting of the Academy of International Business”, March.
6. Cicchelli V. (2014), Living in a Global Society, Handling Otherness : Assessing a Cosmopolitan Approach to Socialization, *Quaderni di Teoria Sociale*, n° spécial ,Sociologia cosmopolita. (Pendenza M. éd.), 14, 215-240.
7. Cicchelli, Vincenzo & Octobre, Sylvie, (2018), *Aesthetico-Cultural Cosmopolitanism and French Youth—The taste of the World*, London: Palgrave.
8. Cicchelli, Vincenzo (2018), Se rattacher au monde – Considérations propédeutiques à l’analyse de l’engagement cosmopolite des jeunes adultes, *RJS*, 2018, 3 (2) : 76-94.
9. Cicchelli, Vincenzo, (2016), *Pluriel et commun. Sociologie d’un monde cosmopolite*, Paris : Presses de Sciences Po.
10. Cicchelli, Vincenzo, Sylvie Octobre. (2018), Pour une approche cosmopolite de la globalisation . *Sociétés Plurielles*, Presses de l’INALCO, 2018, Épistémologies du pluriel. ffhal-01692718f
11. Enactivism, Radical, Extended Functionalism and the Extensive Mind’, *Topoi* (2015), SpringerLink Online First, DOI: 10.1007/s11245-015-9356-x.
12. Germann-Molz, Jennie, (2005), “Getting a ‘Flexible Eye’: Round-the-World Travel and Scales of Cosmopolitan Citizenship”, *Citizenship Studies*. 9 (5): 517–531.
13. Hannerz, U. (1990), ‘Cosmopolitans and locals in world culture’, *Theory, Culture & Society*, 7, 237–51.
14. Kendall, G, Woodward, I., & Skrbis, Z. (2009), *The Sociology of cosmopolitanism: Globalization, identity, culture and government*, New York: Palgrave Macmillan.
15. Kwok-Bun, C. (2002), ‘Both sides, now: culture contact, hybridization, and cosmopolitanism’, in S. Vertovec and R. Cohen (eds) *Conceiving cosmopolitanism: theory, context, and practice*, Oxford: Oxford University Press, 191–208.
16. Ladegaard, Isak (2018), Hosting the comfortably exotic: Cosmopolitan aspirations in the sharing economy, *The Sociological Review Monographs* 2018. 66(2) 381–400, DOI: 10.1177/0038026118758538
17. Osler, A., & Starkey, H. (2018), Extending the theory and practice of education for cosmopolitan citizenship. *Educational Review*, 70(1), 31–40. DOI:10.1080/00131911.2018.1388616
18. Osler, A., and H. Starkey. (2003), “Learning for Cosmopolitan Citizenship: Theoretical Debates and Young People’s Experiences.” *Educational Review* 55 (3): 243–254.
19. Pettigrew, T. F., & Tropp, L. R. (2006), A meta-analytic test of intergroup contact theory. *Journal of Personality and Social Psychology*, 90, 751–783.
20. Pieterse, Jan Nederveen, (2009), *Globalization and Culture. Global mélange*, New York: Rowan & Littlefield Publisher.
21. Schor, J. B., Fitzmaurice, C., Attwood-Charles, W., Carfagna, L. B., & Poteat, E. D. (2016), Paradoxes of openness and distinction in the sharing economy. *Poetics*, 54, 66–81.
22. Skrbis, Z., & Woodward, I. (2007), The ambivalence of ordinary cosmopolitanism: Investigating the limits of cosmopolitan openness. *The Sociological Review*, 55, 730–747.
23. Strijbis, O., Teney, C., & Helbling, M. (2019), Why Are Elites More Cosmopolitan than Masses? *The Struggle Over Borders*, 37–64. DOI:10.1017/9781108652698.002
24. Sundararajan, A. (2016), *The sharing economy: The end of employment and the rise of crowdbased capitalism*. Cambridge, MA: MIT Press.
25. Sunstein, C. R. (2009), *Republic 2.0*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
26. Tarrow, S. (2005) *The new transnational activism*, Cambridge: Cambridge University Press.

27. Verboord, M. (2016), Internet usage and cosmopolitanism in Europe: a multilevel analysis. *Information, Communication & Society*, 20(3), 460–481. DOI:10.1080/1369118x.2016.1187193
28. Vertovec, S., & Cohen, R. (Eds.). (2002), *Conceiving cosmopolitanism*. Oxford: Oxford University Press
29. Wengronowitz R. (2018), Domesticating the market: Moral exchange and the sharing economy. *Socio-Economic Review*, mwy003. Retrieved from <https://doi.org/10.1093/ser/mwy003>
30. Wheeler, Michael (2017), *The Edge of Thought: Extended Cognition and the Border between Mind and World, Minding Borders*, Legenda, Oxford.
31. Weenink, Don, (2008), *Cosmopolitanism as a Form of Capital: Parents Preparing Their Children for a Globalizing World*, Article in *Sociology* 42(6), December 2008, DOI: 10.1177/0038038508096935
32. Woodward, Ian, Skrbis, Zlatko & Bean, Clive, (2009), “Attitudes Toward Globalization and Cosmopolitanism: Cultural Diversity, Personal Consumption and the National Economy”, *The British Journal of Sociology*, 59 (1): 207-226.
33. Zoonen E. Mihelj, S., van, A., & Vis, F. (2011), *Cosmopolitan communication online: YouTube responses to the anti-Islam film Fitna*. *British Journal of Sociology*, 62(4): 613–632.
34. Zuckerman, E. (2013), *Rewire. Digital cosmopolitanism in the age of connection*. New York, NY: W. W.Norton.

Investigating and explaining the concept of global thinking and its influencing factors

Sirus Ahmadi Nohadani, Assistant Professor of Political Geography, Tarbiat Modarres University, Tehran, Iran

Reyhaneh Saleh Abadi*, PhD in Political Geography, Tarbiat Modarres University, Tehran, Iran

Abstract

The universal existential philosophy of thought means the common view of all human beings, regardless of their political affiliation, as united citizens. In the world of thought, we are witnessing the emergence of a positive idea of nurturing different commitments in different fields. The purpose of this study is to investigate the factors influencing global thinking. To achieve this goal, we used descriptive-analytical methods to explain the factors influencing global thinking. Then, using the Demetel technique, we evaluated the most important factors and their effectiveness and effectiveness. The research findings show that in this discussion three main economic dimensions (redistribution of wealth, size of government, land ownership, land main factor of production, economic freedom and production paradigm), socio-cultural (cultural dynamics, socialization of individuals, There are ethnic and local cultures, consumerism, identity and space-time) and politics (diplomacy dynamics, democracy, citizenship education, expectations revolution, political security and democracy). Variables such as expectations revolution (5.8747), democracy (.4566), political security (5.2662), redistribution of wealth (4.8838), cultural dynamics (۴/۶۶۷۵) indicate high interaction and strong systematic relationship with other variables. So these can be regarded as the most important consequences of global thinking. The paradigm variables of production (0.0695), diplomacy dynamics (0.1816), consumerism (0.0108), time-space (0.041) are the cause of this system model and factors such as ethnic and local culture, socialization of people, land ownership, economy Collectivity, identity, and land are the main causes of this system's disabled production.

Keywords: global thinking, cosmopolitan, economic factors, political factors, socio-cultural factors

* Email: salehabadi100@gmail.com